

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۱۹ می ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۵

ترجمه و تفسیر سوره الانفطار- ۲

به ادامه گذشته:

« إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ » (۱۳) (بی گمان که نیکو کاران در نعمت های برین باشند).

نیکو کاران ، و مؤمنان راستینی که کار نیک انجام می دهند و در تمام کارهای خویش تقوا را مد نظر داشته و از خدای عزوجل پروا می کنند؛ «در نعمت اند» یعنی: در ناز و نعمت بهشتی قرار دارند. و بد کاران حتماً در انبار آتشین به سر خواهد برد ، در این هیچ جای شک نیست که روز محاسبه آمدنی است و هر یک پاداش اعمالش را می یابد و به جایگاه مناسب خود می رود.

«وَأِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (۱۴) (و یقیناً بدکاران در (آتش) جهنم اند).

فجار: جمع فاجر است. یعنی کفاری که شریعت الهی را ترک کرده اند «در دوزخند» بنابراین، مراد از «فجار» کفارند و این خطاب، مرتکبان گناه کبیره را شامل نمی شود.

«يَسْئَلُونَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (۱۵) (در روز جزاء به آن درمی آیند).

پروردگار برای مکافات و مجازات کامل اعمال موعدی را مقدر کرده که آن را یوم الدین نام گذاشته ، فجار و بد کاران در یوم الدین پس از محاسبه و محاکمه وارد جهنم می شوند و در کام شعله های سرکش آن، سختی ها می چشند و عذابها می بینند.

«یوم الدین»: به معنای جزاء و حساب و طاعت است. شریعت و قانون را از آن جهت «دین» گفته اند که در آن طاعت و پاداش و جزاست.

آیات ۴ سوره فاتحه الكتاب و ۳۵ حجر و ۸۲ شعراء و ۲۰ صافات و ۷۸ ص و ۱۲ ذاریات و ۵۶ واقعه و ۲۶ معارج و ۴۶ مدثر و ۱۱ مطففین و ۷ تین و ۱ ماعون از روز قیامت به نام «یوم الدین» و از قیامت به «دین» یاد کرده اند. مگر نه این است که روشنترین برنامه و اصلترین هدف برپایی قیامت برنامه دین، یعنی جزا و پاداش و حساب الهی اعمال آدمی، است. آری، یوم الدین روزی است که پرده از روی اعمال و حقایق برداشته می شود و بعد از محاسبه دقیق اعمال به هر کس جزائی موافق عملش داده می شود. این حقیقت «یوم الدین» است

امام رازی نقل کرده است که: «سليمان بن عبد الملك خليفه اموي عازم مکه بود و در راه مکه از مدینه می‌گذشت پس در دیداری که با ابوحازم داشت، به وی گفت: فردای قیامت قرار گرفتن در پیشگاه خداوند جلّ جلاله چگونه است؟ ابوحازم گفت: اما نیکوکار؛ او همانند شخص سفر کرده‌ای است که از سفر نزد خانواده‌اش برمی‌گردد و اما بدکار پس او همچون برده‌گریزپایی است که نزد مولای خویش آورده می‌شود. راوی می‌گوید: سليمان گریست و سپس گفت: ای کاش می‌دانستم که خدای سبحان با ما چه می‌کند؟! ابوحازم گفت: این کار ساده‌ای است؛ عملت را بر کتاب خداوند جلّ جلاله عرضه بدار، آن وقت می‌دانی که او با تو چه خواهد کرد. سليمان گفت: این توصیه تو در کجای کتاب خدا جلّ جلاله آمده است؟ ابوحازم گفت: إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ. سليمان گفت: در این صورت، رحمت خداوند جلّ جلاله در کجاست؟ ابوحازم پاسخ داد: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ :

بی‌گمان رحمت خداوند جلّ جلاله به نیکوکاران نزدیک است» «اعراف/۵۶».

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (۱۶) (وهرگز غائب شونده از آن نباشند)

نه چنان بسوزند که به خاکستر تبدیل شوند و از درد سوختن برهند.

یعنی: دوزخیان فاجر کافر، هرگز برای ساعتی هم از دوزخ جدا نشده و از آن دور نمی‌شوند و عذاب آن بر آنان سبک نمی‌شود بلکه برای ابد در آن بهسر می‌برند.

دوزخ به لحاظ شدت گرمی و نوع عذابی که خداوند برای اهل آن در نظر گرفته است، متفاوت است و عذاب و شدت حرارت آن یک نواخت نمی‌باشد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» (سوره النساء: ۱۴۵) (بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یابری برای آنان نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند).

واژه «الدرك» در لغت عرب به هر چیز رده پائین و «الدرج» به هر چیز رده بالا گفته می‌شود. بنابر این برای بهشت درجه و درجات و برای دوزخ درک و درکات به کار می‌رود.

دوزخ به هر میزان که پائین‌تر باشد، حرارت و شعله‌هایش نیز به همان اندازه شدیدتر می‌شود. منافقان بهره بیشتری از آتش دوزخ دارند، به همین خاطر در درک اسفل دوزخ خواهند بود.

گاهی به مراتب دوزخ «درجات» نیز اطلاق می‌گردد.

خداوند در سوره انعام بعد از ذکر اهل بهشت و دوزخ می‌فرماید: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا» (سوره الانعام: ۱۳۲) (و هر یک (از نیکوکاران و بدکاران) دارای درجاتی (و درکاتی از پاداش و عزت و پادافره و ذلت در جهان دیگر) بر طبق اعمال خود هستند).

«فَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانِ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ * هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (سوره آل عمران: ۱۶۲ - ۱۶۳) (آیا کسی که (با طاعت و عبادت) در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که (با معصیت و نافرمانی) خشم خدا را نصیب خود می‌کند و جایگاه او دوزخ خواهد بود؟! و دوزخ بدترین بازگشتگاه است. (هر یک از) آنان (چه دینداران و چه بی‌دینان) برای خود جاه و مقام، و جا و مکانی در پیشگاه خدا دارند (و برابر و یکسان نیستند) و خداوند می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهند (لذا درجات و درکات هر یک را برابر کردار و رفتارشان تعیین می‌نماید و به هر کس آن دهد که سزد).

عبدالرحمن بن زید بن مسلم می‌گوید: درجات جنت به سوی بلندی و درجات دوزخ به سوی بلندی و پستی می‌روند. (تخویف من النار لا بن رجب : صفحه ۵۰).

از برخی سلف نقل شده است که: موحدین گناهکار که وارد دوزخ می‌شوند در درک اعلی، یهود در درک دوم، نصاری در درک سوم، صابئین (بی‌دینان) در درک چهارم، مجوس در درک پنجم، مشرکین اعراب در درک ششم و منافقان در درک هفتم خواهند بود.

و در برخی کتاب‌ها نام آن درکات نیز وارد شده است:

درک اول: جهنم، درک دوم: لظی، درک سوم: حطمه، درک چهارم: سعیر، درک پنجم: سقر، درک ششم: جحیم و درک هفتم هاویه نام دارند.

ولی تقسیم مردم در دوزخ بر اساس تقسیم مذکور صحیح نیست. همانگونه که نامگذاری مراتب دوزخ به گونه‌ای که بیان گردید صحت ندارد. قول راجح و صحیح آن است که همه این اسماء مذکور مانند: جهنم، لظی، حطمه... نامی برای دوزخ هستند نه این که هر کدام نام بخشی از دوزخ باشد. البته این مطلب که مردم به لحاظ کفر و گناهان خود، مراتب متفاوتی خواهند داشت، صحت دارد.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (۱۷) (و تو چه می‌دانی که روز جزاء چیست؟)».

مهمترین شاخصه یوم الدین در این آیات اقتدار الهی است از اقتدار الهی و از ظهور و بروز سلطنت الهی به عنوان مهمترین شاخصه یوم الدین ذکر شده. و می‌فرماید :

«نَمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (۱۸) (باز تو چه می‌دانی که روز جزاء چیست؟)».

«يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (۱۹) (روزی که هیچ کسی برای دیگران نمی‌تواند کاری بکند و در آن روز فرمان، فرمان الله است)».

روز کیفر و پاداش، روزی است که هیچ کسی اختیار هیچ چیزی را برای دیگری ندارد.

روز رستاخیز روزی است که کسی توان دفاع از کس دیگری را ندارد و تنها در فکر نجات خویش است و به سان دنیا نیست که زورمندان و ظالمان قادر به تحقق اهداف شوم خویش باشند ، و هر چه که بخواهند آن را انجام و عملی نمایند .

«وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (و کارها آن روز، همه و همه تنها از آن خداست.) بلی ، آن روز قضاوت در میان بندگان و پایان دادن به کشمکش‌ها، گرفتن حق مظلوم از ظالم، ارزانی داشتن پاداش به نیکان و عدالت‌خواهان و عفو و بخشایش گناهکاران، تنها از سوی خداست و بس. هیچ کس (هر که باشد) اختیار رساندن چیزی از منفعت را در روز قیامت برای کس دیگری ندارد و در آنجا جز خداوند جل جلاله پروردگار عالمیان، هیچ کس نیست که حکمی صادر کند یا کاری را انجام دهد.

یعنی اقتدار بی حد و مرز الهی و ظهور و بروز قدرت کامله الهی در روز قیامت عیان می‌شود .

توضیح مختصر درباره روز قیامت:

قرآن عظیم الشان در تعریف و توضیح وضع زمین، آسمان و انسان در روز قیامت و این که روز رستاخیز درای چه اوصافی است می‌فرماید : قرآن مجید روز قیامت را روز فرار مسمی نموده است ، روزی که انسان از پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزندان و اقوام خود می‌گریزد و هر کس به کار خود مشغول است و در واقع روز محشر، روز قطع پیوندها و خویشاوندی است.

قرآن عظیم الشان می‌فرماید که در روز حشر تنها ، در زنده شدن دوباره انسانها خلاصه نمی‌شود، بلکه همراه آن مجموعه ای از حوادث مهمی رخ می‌دهد که برخی از این رویدادها و حوادث عبارتند از:

وضع زمین و دریاها و کوه ها :

بر اساس آیات سوره های مبارکه « تکویر، زلزال، دخان و واقعه، در روز قیامت» لرزشی سخت زمین را فرا می گیرد. آنچه بر زمین پدیدار گشته، فرو می پاشد. سطح زمین آشکار و نمایان می گردد. زمین شکافته می شود و مردگان از آن بیرون می آیند تا در قیامت محسوس گردند. دریاها از هم شکافته، جوشان و برافروخته می شوند. کوه ها از جا کنده می شوند و به صورت غیر متعادل به حرکت در می آیند و به مثل تلی از خاک در می آیند و مانند پشم زده می شوند و نرم و انعطاف پذیر می گردند، و سرانجام مانند ذرات غبار پراکنده می شوند. از سلسله کوه های سر به فلک ، جز سرابی چیز دیگری باقی نمی ماند.

وضع آسمان و ستارگان:

سوره های « تکویر، انفطار، طور و الرحمن » درباره وضع آسمان و ستارگان اشاره دارند که وضع آسمان در روز قیامت دگرگون می شود و ستارگان از جای کنده می شوند، آسمان دچار نوعی تموج و حرکت پاره پاره و شکافته می شود و مانند گل سرخ و روغن و فلز مذاب روان نمایان می گردد و سرانجام به شکل دود درآمده، در هم پیچیده می شود. نور، آفتاب و ماه به خاموشی می گراید. نظم آنها به هم می خورد و به سوی زمین پرتاب می گردند.

نفخ صور:

در آیات و روایات اسلامی آمده است که : یکی از نشانه های قیامت « نفخ صور » است و آن دو نفخ دمیدن است که یکی نفخ مرگ است و پیش از قیامت عمومی رخ می دهد، یعنی پیش از برپائی قیامت صدای مهیبی به گوش همه موجودات خواهد رسید که موجب مرگ همه آنها می شود و به واسطه آن نظام عالم به هم می خورد. دیگری نفخ حیات است که قیامت برپا می شود و صحنه جهان با نور خدا روشن می گردد و همه انسانها و حتی حیوانات در يك لحظه زنده می شوند. قرآن مجید در سوره زمر آیت ۶۸ درباره نفخ صور می فرماید؛ و در صور دیده می شود، پس همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند می میرند مگر آنان که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار حساب و جزاء می مانند.

اوصاف رستاخیز:

قرآن عظیم الشان ، نام ها و اوصاف مختلفی برای قیامت بر شمرده است که هر يك به حقیقتی اشاره دارند. برخی از آنها عبارتند از:

- واقع شدنی و تردید ناپذیر است:

قرآن عظیم الشان در آیت ۲ سوره واقعه و آیت ۷ سوره حج قیامت را امری می داند که در وقوعش هیچگونه شك و تردیدی نیست.

- نزدیک بودن:

قرآن عظیم الشان در آیت ۷ سوره معارج روز قیامت را نزدیک می شمارد. و در برخی از تعبیر از آن با کلمه « فردا» یاد می کند از جمله (آیت ۱۸ سوره مبارکه حشر).

- حق بودن قیامت:

قرآن عظیم الشان در آیت ۳۹ سوره نباء قیامت را روز حق می داند، روزی است که در آن حق مطلق، ظهور می کند و جایی برای باطل نیست و هر کسی به حق خود می رسد.

- **خبر بزرگ:**

قرآن عظیم الشان در آیت ۶۷ سوره ص، آیت ۱۵ سوره یونس و (آیه ۳ سوره هود) از قیامت با عنوان «خبر بزرگ» یاد می کند و نیز با تعبیر «روز عظیم»، زیرا رویدادها و حوادث عظیمی در آن روز رخ می دهند و همچنین با تعبیر «روز کبیر» یاد گردیده است.

- **روز فریاد:**

صحنه روز محشر را «روز فریاد» و یوم «التناد» گویند. این نام، بدان جهت است که دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند. (سوره اعراف آیت ۵۰)

- **پیر کننده:**

قیامت روزی است کودکان و نوجوانان در آن پیر می شوند. دلیل آن شاید طولانی بودن و یا سخت بودن حوادث آن روز است. (مراجعه به آیت ۱۷ سوره مزمل)

- **آشکار شدن رازها:**

در قیامت، همه رازها و اعمال انسان آشکار می گردند و مؤمنان و بدکاران با چهره خود باز شناخته می شوند و نامه اعمال انسان گشوده می گردد، نامه ای که همه اعمال در آن ثبت است و هر کس هر عمل خوب و بدی را که انجام داده می بیند. (سوره طارق آیت ۹ و سوره تکویر آیت ۱۰)

وجوب ایمان به فرشتگان:

از جمله اصول پنجگانه اسلامی یکی هم ایمان بر فرشتگان است فرشتگان آنها هستند که خداوند نام آنان را برایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل و مالک نگهبان جهنم: «ونادوا یا مالک ليقض علينا ربك» (سوره الزخرف ۷۷). (آن دوزخیان مالک نگهبان جهنم را ندا کرده می گویند: ای مالک از پروردگارت بخواه تا ما را مرگ دهد، بمیریم و راحت شویم). بر مسلمانان است که بر این فرشتگان ایمان داشته باشند، چه آنانی که نام شان ذکر شده و چه آنانی که نام شان ذکر نشده است و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می دهند و فرشتگانی هستند در آسمان که مشغول عبادت و رکوع و سجود پروردگار اند، و هیچ جایی از آسمان نیست مگر این که فرشته ای از فرشتگان در حال رکوع و سجود خداست.

و فرشتگانی هستند که جز خداوند کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما به طور اجمالی ایمان می آوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و به طور تفصیلی ایمان می آوریم، به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده و آنان را دوست داریم و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می کنند، و به نیکی فرمان می دهند، و برای آنان استغفار می کنند، چنان که خداوند عز وجل می فرماید: «الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون للذین آمنوا». (سوره غافر ۷).

نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان:

ایمان به فرشتگان نقش و تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، زیرا اگر انسان حس کند که تحت تعقیب و مراقبت است، در زندگی خویش احتیاط می کند و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری و مراقبت می کنند، در اینحال احتیاطی بیشتر به خرج می دهند. طوری که در امور دنیائی نیز چنین است. انسان زمانی که احساس تعقیب را می کند، با احتیاط قدم بر می دارد. بناءً در امر مراقبت فرشتگان نیز باید چنین احتیاط را مراعات کنیم.

مراقبین و جواسیس دنیائی را حداقل انسانها می توانند ببینند، ویا هم خود را از دید و نظر آنها می توان پنهان کرد، ولی فرار ویا هم ستر و مخفی کردن از مراقبت فرشتگان آسمانی کاری است دشوار. انسان نمی تواند از دید و مراقبت آنان فرار کند.

فرشتگان آسمانی انسان را در همه جا تعقیب می نمایند و همیشه همراه انسان می باشد. خداوند عز و جل به آنان این قدرت را داده تا هر جایی که خداوند به آنها فرمان دهد خود را برسند، به همین خاطر خداوند می فرماید: «وَأَنَّ عَلِيمٌ لِّحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ». (سوره الإنفطار ۱۰ - ۱۲). خداوند این را فرموده تا ما مواظب خود باشیم. و این ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود بود، تا این که بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد.

عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد؟

۱ - فرشتگان تسبیح و تنزیه و سپاس خداوند را می گویند، و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنی آدم هستند و شیاطین از خائن ترین مخلوقات خدا به بنی آدم می باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته اند که تا آنجائی که بتوانند بنی آدم را گمراه کرده فریب دهند و او را به هلاکت برسانند.

۲ - فرشتگان به نیکی و خوبی امر می کنند و شیاطین به فساد و بدی امر می کنند، چنان که خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ». (سوره الزخرف ۳۶). (و هر کسی که خود را به کوری، و از قرآن که یاد خدای مهربان و رحمت خدا برای جهانیان است روی بگرداند، برای او شیطانی برانگیزیم تا همیشه با او همراه و همنشین باشد).

پس کسانی که از قرآن اعراض کرده و به آن پشت کنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب می دهد به این که شیطانی بر او مسلط و چیره کرده تا همیشه همراه او باشد.

و همچنین می فرماید: «وَأَنَّهُمْ لِيَصْدُونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ». (سوره الزخرف ۳۷ - ۳۸). (و به تحقیق آن شیطانها همیشه آن مردم را از خدا غافل کرده به گمراهی می کشانند، و ایشان گمان می کنند که به راه راست رسیده اند، تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آنگاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصله میان مشرق و مغرب بود که او بسیار همنشین و یار بدی برای من بود. و چیزی انسان را از شیطان دور نمی کند، به جز ذکر و یاد خدایتعالی).

۳ - این که ذکر خداوند شیطان را از او می راند، و فرشتگان نزد او حاضر می شوند و به همین خاطر شیطان را: الوسواس الخناس نامیده اند.

و هرگاه انسان ذکر خداوند را ترك کرد شیطان به سوی او می آید و هرگاه ذکر خدا کند فرشتگان دور او جمع می شوند، چنان که در حدیث آمده: « ما اجتمع قوم فی بیت من بیوت الله یتلون کتاب الله ویتدارسونه بینهم إلا نزلت علیهم

السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم الملائكة وذكروهم الله فيمن عنده» . (مسلم) . هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه های خدا (یعنی در یکی از مساجد) گرد آیند تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آن را به هم بفهمانند آرامش بر دلهای ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشان را در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان کسانی که نزد اوست یاد کند .

شوخی با ملائکه:

طوری که گفته آمدیم: ایمان به ملائکه و تکریم و تقدیر آنها جزو ارکان ایمان است، بناءً شوخی و تمسخر در باره ملائکه در فهم شرعی جواز نداشته و هر کسی که به چنین عملی دست زند عمل کفری اجراء می کند و کافر می گردند.

تعداد کثیری از علماء و مفسرین با استناد از آیات قرآنی و احادیث نبوی شوخی و استهزاء به ملائکه یا یکی از آنان را کفر محسوب می دارند . و معتقد اند کسانی که دست به چنین عملی می زنند ، می گویند این عمل موجب خروج شخص از اسلام و موجب ارتداد یک انسان می گردد : این عده از علماء به آیات (۶۵ و ۶۶ سوره توبه) استدلال نموده می فرمایند : « وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِإِنَّهِ وَأَيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْرِئُونَ * لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (یعنی : « و اگر از آنها بپرسی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!)، می گویند : «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو : «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟!» (بگو :) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (به خاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند» .

عالم جلیل القدر اسلام امام ابن حزم می فرماید :

«از طریق نص شرعی ثابت است که هرکس خداوند متعال یا یکی از ملائکه یا یکی از انبیاء علیهم السلام یا آیتی از قرآن و یا فریضه ای از فرائض دینی را به استهزاء و مسخرگی بگیرد، چنان که حجت بر او تمام شده باشد او دیگر کافر است، چرا که اینها همه آیات الهی هستند» « الفصل فی الملل والأهواء والنحل» (۱۴۲/۳) .

و باز فرمودند : «هرکسی خدا را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، و یا ملائکه ای را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، یا پیامبری را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، یا آیتی از آیات خداوند را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، او با این عملش کافر و مرتد گشته و حکم مرتد دارد، و شرائع الهی و قرآن همه از آیات الهی هستند» «المحلی» (۴۱۳/۱۱) .

و ابن نجیم حنفی می گوید : «با ایراد گرفتن از یکی از ملائکه یا سبک شمردن آن کافر می گردد» « البحر الرائق» (۱۳۱/۵) .

حتی بعضی از علماء متذکر شدند که انسان با هرگونه سخنی که احساس استهزاء و سخرگی از آن رود کافر می شود، چنانچه ابن نجیم گفته : «اگر کسی به دیگری بگوید : دید من به تو مثل دید ملک الموت است، بعضی (از اهل علم) خلاف اکثریت گفتند : کافر می شود» .

جاهانیکه فرشتگان به آنجا می روند:

فرشتگانی هستند که جهانگردند و در جست و جوی حقله های ذکر و درس هستند و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر می گویند: بیابید که نیاز خود را پیدا کردیم .

و حلقه های ذکر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:

- ۱ - تلاوت قرآن، پس هرکس قرآن را تلاوت کند ذکر خدا را به جا آورده است .
 - ۲ - و کسی که نماز می خواند ذکر خدا را به جا آورده است .
 - ۳ - و کسی که تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار و سپاس خدا کند ذکر خدا را به جا آورده است .
- در اینجا فرشتگان اطراف و پیرامون آنها جمع می شوند و شیاطین از آنها دور می شوند
- ۴ - کسی که کتابهای علمی را مطالعه می کند و برای علم و دانش حلقه می زند تا علم و دانش بیاموزد ذکر خدا به جا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع می شوند .

جاهانی که شیاطین به آنجا می روند:

- ۱ - کسانی که وقت خود را بیهوده صرف می کنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحفه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع می شود و فرشتگان از آنها فاصله می گیرند.
 - ۲ - کسی که عکس جاندار در خانه آویزان کند فرشتگان به خانه اش داخل نمی شوند چنان که در حدیث آمده: « إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ » . (متفق علیه) .
- فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و عکس باشد داخل نمی شوند ،پس فرشتگان رحمت به خانه هائی که در آن عکس وجود دارد داخل نمی شوند .

سابقه دشمنی شیطان با بشر:

مطابق حکم قرآنی دشمنی شیطان با انسان سابقه طولانی داشته ، طوری که قرآن عظیم الشان در مورد می فرماید : «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (سوره فاطر آیت ۶) پروردگار با عظمت به انسان می فرماید : شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته خود را فرامی خواند تا از اصحاب دوزخ باشند.

گفتیم سابقه دشمنی شیطان با انسان طولانی بود. همین شیطان بود که با وساس مدبرانه خویش آدم و حوا را فریب داد و آنان را از جنت بیرون کشید . «**كَمَا أَخْرَجَكَ ابْوَيْك**» (سوره اعراف، ۲۷)

باید برای تمام انسانها اعلان کرد ، که شیطان چنان دشمن خطرناک و محلی است که به چشم دیده نمی شود مگر او شما را می بیند . «**إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَ قَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ**» (سوره اعراف، ۲۷).

در روایات اسلامی با تمام صراحت گفته شده است که شیطان دشمن قسم خورده است. «**فَبِعِزَّتِكَ...**» (ص، ۸۲). از هر سو حمله می کند. «**من بین ایدیهم و من خلفهم...**» (سوره اعراف، ۱۷). وسیله ای او برای انحراف مردم، و عده فقر و امر به فحشاء است. «**الشَّيْطَانُ يَعْصِمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ**» (سوره بقره، ۲۶۸) او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی شود. «**يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ**»

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست :

معلومات مؤجز

اسباب نزول

وجه تسمیه

فضیلت سوره الانفطار
 ترجمه مختصر
 آشنائی با سوره
 تفسیر سوره
 فرشتگان نیت و قصد انسانها را هم می نویسند
 توضیح مختصر درباره روز قیامت
 وضع زمین و دریاها و کوه ها
 وضع آسمان و ستارگان
 نفخ صور
 اوصاف رستاخیز
 وجوب ایمان به فرشتگان
 نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان
 عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد !
 شوخی با ملائکه
 جاهائی که فرشتگان به آنجا می روند
 جاهائی که شیاطین به آنجا می روند
 سابقه دشمنی شیطان با بشر

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۲۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب «اسباب النزول»
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)

- صحيح مسلم
- صحيح البخارى